

ادامه از صفحه ۱۳

اعتراضات به تحریک رقیب نبود

درحالی‌که مطالبات زنان با مردان متفاوت است، مطالبات و کنش سیاسی زنان شهرهای کوچک با مطالبات زنان شهرهای بزرگ نیز متفاوت است. برآکندگی فضایی و تنوع موضوعات اعتراضات و اقصار شرکت‌کننده در این اعتراضات را می‌توان به‌عنوان شواهد تاییدکننده محلی‌شدن کنش‌های سیاسی در نظر گرفت.

در چنین وضعیتی مطالباتی مطرح می‌شوند که فراتر از مطالبات به‌رسمیت‌شناخته‌شده در چارچوب فعلی اصلاح‌طلبان است و به‌این‌ترتیب طیف وسیعی از معترضان به وضع موجود؛ از طبقات پایین تا زنان، جوانان، فعالان قومی و حتی بخش نسبتاً قابل‌توجهی از طبقه متوسط و دانشگاهیان و دانشجویان به این نتیجه رسیده‌اند که در چارچوب جریان اصلاح‌طلبان به‌عنوان یک جریان سیاسی نمی‌توانند مطالبات و خواسته‌های خود را پیگیری کنند و خود باید به طور مستقل برای تحقق مطالباتشان دست به کنشگری بزنند. به عبارت دیگر امروزه اصلاح‌طلبان با بحران مشروعیت در میان بخش قابل‌توجهی از پایگاه اجتماعی خود مواجه هستند. البته جریان‌های مقابل داخلی و براندازان خارج‌نشین نیز به این بحران مشروعیت دامن می‌زنند و تلاش می‌کنند مردم را از مشی اصلاح‌طلبانه ناامید کنند. متأسفانه واکنش نامناسب برخی اصلاح‌طلبان به منتقدان نیز، به این وضعیت دامن می‌زند. برخی اصلاح‌طلبان هرگونه نقد به عملکرد اصلاح‌طلبان را به دعوت به براندازی و ساختارشکنی تعبیر و مشی اصلاح‌طلبی را در خود و نحوه عملکردشان منحصراً می‌کنند.

آیا می‌توان گفت به سمت آسیب‌پذیری نظم اجتماعی موجود، چیزی که تا پیش از این در جامعه وجود داشت، پیش روی‌هم؟

همان‌طور که در ابتدا گفتم، نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که با وجود مشکلات مختلف و نارضایتی‌های موجود، همچنان بخش گسترده‌ای از مردم به اصلاح‌پزیریودن شرایط کشور اعتقاد دارند و می‌توان گفت بخش عمده‌ای از نخبگان نیز همچنان، بهبود شرایط از طریق اصلاحات تدریجی را مناسب‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و عملی‌ترین راه موجود می‌دانند. این ظرفیت گرانبهای است که جریان‌های سیاسی، به‌ویژه اصلاح‌طلبان باید آن را غنیمت بشمارند. اصلاح‌طلبان باید با امیدآفرینی و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق مطالبات و آرمان‌های مشترک خود و بخش گسترده‌ای از اقصار ناراضی از وضع موجود، پایگاه اجتماعی خود را ترمیم و مجدداً خود را به گفتمان موردقبول جامعه تبدیل کنند. اصلاح‌طلبان باید از حالت افعال خارج شده و با ارائه راهکارهایی قدرت اقناع افکار عمومی را داشته باشند و هدایت این اعتراضات را برعهده بگیرند. برخی اصلاح‌طلبان درخواست برخی منتقدان برای همدلی اصلاح‌طلبان با معترضان و پذیرش واقعی‌بودن این اعتراضات و نارضایتی‌ها را دعوت به پوپولیسم تلقی می‌کنند.

این در حالی است که باید بین مردم‌گرایی و عوام‌گرایی عوام‌فریبانه تفاوت قائل شد. بله چنانچه جریانی بخواهد با ارائه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و ساده‌انگارانه و غیرواقع‌بینانه برای مسائل مهم و پیچیده جامعه، برای خود رای بخرد و جایگاهی در افکار عمومی پیدا کند، مصداق پوپولیسم است، اما درخواست از اصلاح‌طلبان برای امیدآفرینی در جامعه از طریق به‌رسمیت‌شناختن اعتراضات و نارضایتی‌های موجود و کشودن باب و فضای گفت‌وگو درخصوص راه‌حل‌ها و سیاست‌های درست و واقع‌بینانه برای حل مشکلات و رفع نارضایتی‌ها، به معنای مصداق اصلاح‌طلبان به پوپولیسم نیست، بلکه دعوت آنها به واقع‌گرایی و فراتررفتن از پيله تنگی است که به دور خود پیچیده‌اند. اتفاقاً در شرایط نارضایتی گسترده و انفعال و تعلیق جریان‌های سیاسی است که فرصت برای ظهور و جولان پوپولیست‌ها فراهم خواهد شد. سرانجام پوپولیسم نیز نهایتاً با شروع یک دوران بد جدید است یا شرایطی که آینده مشخصی از الان برای آن نمی‌توان متصور شد. همه جریان‌ها باید در برابر این شرایط مسئولانه عمل کنند. جریان مخالف باید بداند نتیجه ناامیدی از اصلاح‌طلبان روی آوردن مردم به آنها نیست، بلکه عبور از اصلاح‌طلبی گام‌نهادن در مسیر فراتر از آن خواهد بود.

اصلاح‌طلبان هم باید در جهت امیدآفرینی فراگیر، از تکرار بیانات و راهکارهایی که امروزه دیگر قدرت اقناع‌کنندگی خود را از دست داده‌اند دست کشیده و به صورت جدی در چارچوب‌ها و ادبیات خود بازنگری کنند. در مقاله‌ای می‌خواندیم که شرط تبدیل‌شدن هرگونه آمیدی به یک آینده واقعی، تبدیل امید به یک «دارایی عمومی» است و این نیز مشروط به این است‌که جریان‌ها از گفتمان‌های موردقبول خودشان فراتر رفته و با بازکردن باب گفت‌وگوی مؤثر در جهت افزایش افراد و گروه‌های سهیم در این امید تلاش کنند. برای فراگیری امید در جامعه، اصلاح‌طلبان باید به طور جدی قومیت‌ها، زنان، جوانان، کارگران، مذاهب، ادیان و دیگر اقصار و گروه‌های متکثر جامعه را خطاب قرار دهند، مطالباتشان را جدی بگیرند و آنها را با خود همراه کنند. ما ناچار به امیدواربودن هستیم و این امید تنها با همراهی همه با هم محقق خواهد شد. هرگونه مالکیت انحصاری امید منجر به توهمت خطا و تخلیات غیرعواقب خواهد شد.

سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین در دیدار با نمایندگان انگلیس بر ضرورت ایستادگی طرف‌های اروپایی مذاکره‌کننده برجام در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا تأکید کرد. به گزارش «ایژنا»، کاظم غریب‌آبادی در دیدار با «لی تورنر»، سفیر و نماینده دائم انگلیس نزد سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین و «دیوید هال»، سفیر و نماینده دائم این کشور در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به همکاری‌های ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد و گفت در گزارش‌ها مگر مدیر

کل آژانس بارها به این همکاری‌ها و همچنین پایبندی کامل ایران به تعهداتش در چارچوب برجام اذعان شده است. او ادامه داد: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای ذی‌ربط موظف‌اند به نوبه خود حداکثر امکان بهره‌مندی ایران از همکاری‌های صلح‌آمیز و کمک‌های فنی هسته‌ای، در کنار بهره‌مندی از منافع اقتصادی ناشی از برجام را بدون ایجاد هیچ مانعی فراهم آورند. سفیر و نماینده دائم ایران در ادامه ضمن اذعان به مواضع اصولی انگلیس در حمایت از برجام که نمادی بارز از موفقیت دیپلماسی چندجانبه است،

نماینده ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در دیدار با همتای انگلیسی؛

اروپا در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بايستد

تأکید کرد کشورهای اروپایی طرف مذاکرات در برجام باید با حداکثر توان خود در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، ازجمله از طریق تلاش برای به‌حداقل‌رساندن آثار منفی تحميل مجدد تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی علیه ایران بایستند. غریب‌آبادی همچنین ضمن توجه‌دادن به موضوع مبارزه مواد مخدر گفت هزینه‌های تحمل‌شده بر مردم ایران، در عمل با جلوگیری از ترانزیت مواد مخدر به اروپا، به نفع کشورهای این منطقه شده است، نارضایتی ایران را از ناکافی‌بودن حمایت‌ها و کمک‌های مالی و فنی وعده‌ده‌شده از

سوی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای تأمین‌کننده مالی ابراز کرد.در این دیدار نمایندگان دائم انگلیس نیز ضمن تأکید بر سیاست اصولی کشورشان در حمایت از برجام، به بیانیه نهایی کمیسیون مشترک وزرای برجام و همچنین بیانیه مشترک سه کشور اروپایی و فدریکا مگرگرنی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اشاره و تأکید کردند: عزم آنان و سایر شرکای اروپایی، هم‌زمان همکاری و کار مشترک با ایران برای حفظ و تداوم برجام و منتفع‌شدن تهران از منافع آن را سرحد ممکن است.

تشکیل گروه اقدام ایران در دستگاه دیپلماسی آمریکا

برایان هوک: هم‌زمانی تشکیل گروه اقدام ایران با سالروز کودتای ۲۸ مرداد در ایران کاملاً اتفاقی است



عکس: GettyImages

هوک پنجشنبه در پاسخ به خبرنگاران گفته است، بنا دارد با به‌کارگیری مشاوران و خبرگان مسائل ایران از کارگروه خود برای جلب‌وردن سیاست‌های دولت آقای ترامپ در قبال ایران بهره ببرد و همچنین مسئول هماهنگ‌کردن سیاست‌های ایران با سایر دستگاه‌های دولتی خواهد بود. تسنیم در گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی برایان هوک به نقل از او نوشته «هدف این گروه تلاش در سطح جهانی برای تغییر رفتار ایران است؛ اگر ایران به تغییر بنیادین رفتار خود تعهد نشان دهد، می‌توان از گفت‌وگو با ایران سخن گفت». او گفت که «تیمی از وزارت خارجه آمریکا و وزارت خزانه‌داری تاکنون به بیش از ۲۴ کشور درخصوص تحریم ایران سفر کرده و در ماه‌های آتی به جاهای دیگر سفر خواهند کرد، تاکنون گفت‌وگوهای خوبی داشته‌ایم».

هم‌زمانی با اقدام آ کودتای ۲۸ مرداد اتفاقی است

هوک گفت که برجام توافق بدی بود که گستره بزرگ‌تر تهدیدهای ایران را پوشش نمی‌داد. او با اشاره به خواسته‌های دوازده‌گانه وزیر خارجه آمریکا از ایران گفت که کارزارای را برای پیشبرد این موارد و تغییر رفتار ایران در این حوزه‌ها در پیش می‌گیریم». رئیس گروه اقدام ایران با اشاره به هدف آمریکا برای به صفر رساندن واردات نفت ایران تا چهارم نوامبر گفت ایالات متحده به پایبندی کشورها به این مسئله امیدوار است. او درباره اعلام تشکیل گروه اقدام علیه ایران هم‌زمان با سالروز کودتای ۲۸ مرداد در ایران گفت: هم‌زمانی این دو هیچ ربطی ندارد و این تاریخ هم‌زمان کاملاً اتفاقی است.

بازمانده از تیم تیلرسون

«هوک» ۴۹ساله در دوران «رکس تیلرسون»، وزیر خارجه سابق آمریکا، به‌عنوان مدیر دفتر برنامه‌ریزی‌های سیاسی وزارت خارجه منصوب شد. این در حالی بود که تا آن زمان، به‌عنوان یکی از مخالفان ترامپ شناخته می‌شد. او یکی از افراد دخیل در تشکیل سازمانی به نام «John Hay Initiative» بود؛ گروهی متشکل از مشاوران سیاست خارجی «میت رامنی»، نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ۲۰۱۲ که در انتخابات ۲۰۱۶ با ناکارش نام‌ای که به امضای ۱۲۱ نفر از شخصیت‌های حزب جمهوری‌خواه رسید، با ریاست جمهوری ترامپ شکست خورد. در گزارشی نشریه درباره او نوشته است: هوک قبتر از آن در دولت «جورج دبلیو بوش» در سمت‌های مختلفی از جمله دستیار وزیر خارجه در سازمان‌های بین‌المللی، دستیار ارشد سفیر آمریکا در سازمان ملل، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا و... کار کرده بود. هوک یک حقوق‌دان است. او روابط خوبی با جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت ترامپ دارد. این حقوق‌دان آمریکایی دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور

اهمیت ایجاد «گروه اقدام ایران» در وزارت خارجه آمریکا

حذف و این امور را تنها در این گروه و در دست اعضای افراطی آن متمرکز کند. اگرچه قطعاً یکی از اهداف این گروه، پیگیری اعمال تحریم‌ها و دیگر فشارها خواهد بود، اما درحالی‌که دولت ترامپ متهم است جز لفاظی و تحریم بی‌سابقه دیگری درباره ایران ندارد، هم‌زمان این گروه ممکن است درصدد تدوین یک راهبرد جامع علیه ایران نیز باشد.

علاوه بر اینکه نفس تأسیس این گروه مهم است، گماردن کسی مانند برایان هوک به‌عنوان رئیس آن و «نماینده ویژه آمریکا در امور ایران» نیز حائز اهمیت است. پمپئو او را به‌عنوان کسی که نقش مهمی در شکل‌دادن به «استراتژی حداکثر فشار دیپلماتیک اقتصادی» علیه ایران داشته، معرفی کرد. انتصاب هوک در رأس گروه اقدام ایران، به معنی جدی‌ترشدن گزینه حرکت در راستای به‌اصطلاح «تغییر رژیم» سیاست آمریکا در قبال ایران است. او با وجود اینکه رئیس اداره برنامه‌ریزی سیاسی در وزارت خارجه بود (داده‌ای از وظیفه این برنامه‌ریزی‌های درازمدت است)، اما عملاً در دوره ترامپ بر امور ایران متمرکز بوده است. او که در زمان تیلرسون به کار گرفته شد، مذاکرات نافرجامی را با اروپا برای لیل به راه‌حلی برای خراج‌نشدن آمریکا از برجام انجام داد. در شرایطی که ترامپ، تیلرسون و بعدها پمپئو نسبت به کار با دیپلمات‌های حرفه‌ای و نیز تعیین مقامات جدید در وزارت خارجه از بین آنها اکره داشتند، هوک که دیپلماتی کاربری نیست، به یکی از اعضای پرنفوذ وزارت خارجه تبدیل شد. وی متهم است با هدف جلب رضایت ترامپ، نقش مهمی در حذف دیپلمات‌های حرفه‌ای از پروسه تصمیم‌گیری درباره موضوعات مهم داشته و مسبب اخراج یا بازنشسته‌شدن زودهنگام شماری از آنها بوده است، اگرچه متعجب جدید

دیپلماسی

شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۷ ۱۵

خبر

ظریف:

کنوانسیون خزر افتخار است، آن را به سرخوردگی تبدیل نکنیم



● **فارس:** وزیر خارجه چهارشنبه‌شب در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری درباره سهم‌بندی در خزر گفت: «این تصور که مثلاً ۵۰ درصد دریا برای ما بوده یا دریا مشاع بوده، تصور درستی نبود. دریای خزر را تصور کنید و سعی کنید ایران در این دریا ۵۰ درصد داشته باشد، یا می‌آید تا بالای ترکمنستان و جمهوری آذربایجان یعنی این دو کشور هیچ سهمی از آب ندارند یا باید یک کله قندی در خزر بشکسیم تا داخل آب‌های داخلی روسیه». محمدجواد ظریف افزود: «الان همه معتقدند ۵۰ درصد وجود نداشته است. متأسفانه در زمان رژیم گذشته به دلیل وابستگی شدیدی که این رژیم داشت، حتی یک لحظه دولت شوروی اجازه نداد که اینها از خط موهوم حسینیقلی – آستارا یک متر هم بالاتر بروند، در باکوی جمهوری آذربایجان ۷۰ سال است که نفت تولید کرده‌اند، در آن زمان حتی یک بار هم یک قطره از آن نفت به ایران نرسید، آنهایی که ادعای مشاع می‌کنند چنین اتفاقی در آن زمان نیفتاد».

او گفت: «آنچه بعد از جمهوری اسلامی انجام دادیم این بود که اجازه ندادیم در حوزه‌ای که حالا ۲۰ درصد یا نزدیک ۲۰ درصد است، هیچ اقدامی بدون حضور ما صورت بگیرد. این اتفاقات فقط بعد از انقلاب افتاده است. اولین کشتی که وارد دریای خزر در زمان شاه شد، از ولگادون آمد با این تعهد رژیم پهلوی که این کشتی فقط برای آموزش و تفریح استفاده می‌شود و اسمش هم اگر اشتباه نکنم شهسوار بود. اولین کشتنی جدی که وارد خزر شد، در سال ۱۳۶۸ بود، اولین ناو جنگی که ما وارد خزر کردیم، در اواخر دهه ۷۰ یا اوایل دهه ۸۰ شمسی بود که این اتفاقات همه به یمن استقلال و عزتمندی جمهوری اسلامی رخ داده است». ظریف عنوان کرد: «آن خط موهومی که ۱۱درصد است، امروز هیچ اعتباری ندارد. البته تلاشی کردند با توجه به یک رویه موهوم تاریخی که با قدری عملیاتی شده بود و با وابستگی رژیم سابق که اجازه ن داده بودند از آن عبور کنند و می‌گفتند نه این خط است و برای همین است اگر در کنوانسیون نگاه کنید اصلاً کلمه رویه وجود ندارد چون معتقد بودیم آن رویه براساس زور تحمیل شده است و هیچ وقت جمهوری اسلامی این رویه را نپذیرفته و وزارت خارجه زمان شاه هم به آن اعتراض می‌کرده، ولی آنها هیچ اعتراضی در مقابل نمی‌کردند».

او گفت: «این عدد ۱۱درصدی که بعضی جاها می‌شنویم همان است، این خط موهومی است که آستارا را در غرب به حسینیقلی در شرق وصل می‌کند؛ این خط هیچ اعتباری ندارد و جمهوری اسلامی هیچ‌گاه این خط را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت». ظریف با بیان اینکه مزایایی که این کنوانسیون چه در حوزه سرزمینی و چه در حوزه امنیتی و اقتصادی برای ایران ایجاد می‌کند، بسیار زیاد است، افزود: «تعجب می‌کنم از برخی دوستان که در همه حوزه‌ها تلاش می‌کنند این افتخار ملی را بی‌ارزش جلوه دهند، یک زمان برجام بود که ترامپ می‌گفت سر ما کلاه رفته، بعضی‌ها خلاف آن را می‌گفتند ترامپ خارج شد؛ برخی می‌گفتند آمریکا هیچ وقت از برجام خارج نمی‌شود. این کنوانسیون هم برای ایران افتخار است، این افتخار را به یاس و سرخوردگی تبدیل نکنیم. مردم ایران سزاوار افتخار هستند».

politics@sharghdaily.ir

آکهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۷/۲۹۵

شماره مجوز: ۱۵۳۹_۱۳۹۷

دانشگاه صنعت نفت در نظر دارد قرارداد خدمات نکه داشت فضای سبز و نظیفات دانشکده نفت آبادان را با شرح شرایط مندرج در اوراق مناقصه، بر اساس قانون برگزاری مناقصات به صورت یک مرحله ای به شرکت های ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید.از شرکت های مناقصه گر دعوت به عمل می آید ضمن به همراه داشتن درخواست کتبی شرکت در مناقصه و معرفی نامه نماینده شرکت، بارانه اصل و تصویر مدارک مورد نیاز ذیل پس از بررسی و تطبیق و احراز صحت مدارک ارائه شده توسط مناقصه گزار، جهت خرید و دریافت رسید تحویل مدارک، در تاریخ و نشانی ذیل مراجعه فرمایند.

_ارانه اصل و تصویر گواهی شناسه ملی و شماره کد اقتصادی شرکت

_ارانه اصل و تصویر اساسنامه و آخرین تغییرات مندرج در روزنامه رسمی به انضمام مدارک هویتی هیات مدیره شرکت

_ارانه اصل و تصویر گواهی صلاحیت کار از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

_ارانه اصل و تصویر گواهی صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

_ارانه اصل و تصویر حداقل یک سابقه کاری مرتبط به همراه حسن انجام کار و مفاسد حساب قرارداد

_فیش واریز خرید اوراق مناقصه به میزان ۵۰۰/۰۰۰ ریال (دستگاه خود پرزد از محل موجود است)

زمان توزیع اسناد مناقصه:۱۳۹۷/۶/۳ لغایت ۱۳۹۷/۶/۷	
صنعت نفت:امور حقوقی و قراردادها:تلفکس ۲۳۲۲۲۷۲۲-۰۶۱	
آخرین زمان تحویل پیشنهادات ساعت: ۱۲:۰۰ تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۴	
برآورد ریال ۵,۵۸۶,۳۵۹,۷۳۶ ریال میابا	
میزان تضمین شرکت در مناقصه ۲۹۲,۸۱۷,۹۸۷ریال (دوپیست و نود و دو میلیون و هشت صد و هفت هزار و هشتاد و هشت ریال)به صورت ضمانت نامه بانکی معتبر و قابل تعدیل به نام دانشگاه صنعت نفت میباش.	

هزینه چاپ آکهی بر عهده برنده مناقصه میباشد.

معاونت پشتیبانی و عمرانی دانشگاه صنعت نفت